گزارشگران پورتال-افغانستان

۲۸ جولای ۲۰۱۱

در افغانستان چه می گذرد؟

(۱۱۹)

جنگ غارتگرانه افغانستان و تلفات امپراتوری جهانی:

افغانستان، پس از حادثه یازدهم سپتمبر، به بهانه مبارزه علیه تروریزم، مورد تاخت و تاز امپراتوری جهانی و شرکایش قرار گرفت و عملا به یک کشور مستعمره تبدیل شد. تا اکنون بیش از ۱۰۰ هزار نیروی امریکائی و در حدود ۵۰۰۰۰ نیروی ۴۸ کشور دیگر در افغانستان حضور دارند که با حضور این نیروهای جنایتگستر، کشور ما هر لحظه شاهد یک جنایت جدید و یک قتل عام تازه می باشد. گاه توده های زحمتکش در کنر به ماتم می نشینند و گاه در کندهار و گاه در هرات و گاه هم در کابل و پروان و نورستان و بدخشان خون دهقانان و کارگران جاری می شود و این بهائی است که باید برای "دموکراسی"، "حقوق زن"، "جامعه مدنی"، "انجوها" و "مدال" هائی پرداخته شود که عده ای آن را بی محابا می قپاند و به آن فخر می فروشند.

امپریالیست ها برای تأمین منافع شان، حاضر به هر جنایتی هستند و حاضرند که خون فرزندان خود را نیز به خاطر اهداف استعمارگرانه بریزند که مثال های گوناگون آن در سطح جهانی نشاندهنده این موضوعست. در حال حاضر نیز به خاطر اهداف ستراتیژیکش، پای فرزندان مردم امریکا را به این جنگ ارتجاعی کشانیده است.

به اساس گزارش های اسوشیتید پریس تا ۲۶ جولای تعداد تلفات سربازهای امریکائی از آغاز اشغال تا اکنون به ۱۵۷۱ تن رسیده است، درهمین حال وزارت دفاع امریکا می گوید که ۹۹ سرباز آن خارج از افغانستان ولی برای جنگ افغانستان کشته شده اند و ۱۲۸۷۷ تن از سربازان امریکائی تا اکنون در این جنگ زخمی شده اند. اما وب سایت کژولتی، تعداد تلفات امریکائی ها را در جنگ افغانستان ۱۶۸۰ و از بریتانیوی ها را ۳۷۷ و تعداد تلفات ۴۷ کشور باقی مانده را۵۵۱ تن گزارش می کند که بطور مجموعی به ۲۶۰۸ تن می رسد.

در حالی که در این ده سال تنها ۲۶۰۸ تن از نیروهای اشغالگر از پا در آمده اند، ولی به اساس راپور سازمان ملل متحد که در ۲۴ سرطان امسال نشر شد، تنها در شش ماه اول سال روان میلادی بیشتر از ۱۴۶۲ تن از هموطنان ما قربانی جنایت های این جنگ شده است که نسبت به شش ماه سال گذشته میلادی ۱۵ درصد بیشتر می باشد و این نشان می دهد که قربانیان اصلی جنگ مردم زحمتکش ما هستند.

افغانستان، دوزخی برای کودکان:

افغانستان، همانطوری که به جنایتکدهٔ امپراتوری جهانی تبدیل شده است و هر روز توده های زحمتکش ما، به خصوص دهقانان و کارگران قربانی جنایات گوناگون می شوند، کودکان این زحمتکشان نیز در امان نمانده، گاهی جهادی های خون آشام اسلامیست آنان را مورد تجاوز جنسی قرار می دهند و گاهی جلادان امارت اسلامی آنانرا به دار می زنند و امپریالیست های جهانی با بی رحمی تمام آنانرا می سوزانند و در بمباردمان های شان نفس های کوچک شان را برای همیشه می بندند و دولت پوشالی تا که می تواند آنها را بر جاده ها یله می کند تا گدائی کنند و مورد استفاده سوء جنایتکاران مافیائی قرار بگیرند. در این برزخ، برای کودکان زحمتکشان هیچ سهولتی موجود نیست، نه آنها استراحت دارند، نه تفریح، نه تعلیم و آموزش، نه لباس مناسب و نه سرپناه و حتی بیشترین آنها از محبت پدری و مادری نیز محروم اند، زیرا جنایتکاران این عاطفه را مدتهاست که از اکثریت آنان ربوده است.

وزارت پوشالی صحت می گوید که سالانه ۳۰ درصد کودکان کمتر از پنج سال در کشور ما در اثر بیماری اسهال جان می دهند، در حالیکه این بیماری قابل وقایه بوده و به زودترین فرصت معالجه می شود.

به اساس آمار وزارت صحت، تنها در شهر کابل هر هفته ۶۵۰۰ کودک به اسهال مبتلا می شوند و هر کودک افغان در هر سال، شش بار دچار مرض اسهال می گردد. یکی از علت های عمده این بیماری، عدم دسترسی به آب آشامیدنی صحی است، به اساس آمار در حال حاضر تنها ۳۰ درصد مردم به آب صحی آشامیدنی در کشور دسترسی دارند که تنها یک درصد آن در روستاها می باشد.

مرگ و میر ۳۰ درصد کودکان به خاطر مرضی که بسیار معمولی پنداشته می شود، ننگی است بر پیشانی استعمارگران و دولت پوشالی که اینهمه از پیشرفت و توسعه شعار می دهند.

طالبان و استفاده از کمک های امریکا، فساد یا سیاست؟

اکنون به مردم افغانستان واضح شده است که طالبان کی ها اند و به چه منظور سلاح برداشته اند و بالاخره چه می کنند. در طول ده سال گذشته دیده شده است که طالبان امارت اسلامی شان را حتی در یک ولسوالی به طور مکمل نیز اعلان نکرده اند و فقط یک شعار می دهند تا کافر و خارجی در افغانستان است، جنگ ادامه دارد.

اما زحمتکشان افغانستان که بیشترین درد و جنایت این جنگ را تحمل می کنند و هر روز قربانی می دهند، خوب می دانند که طالبان پروژه ای از ستراتیژی درازمدت امپریالیزم امریکا در منطقه هستند و تا که این جانواران هستند مبارزه علیه "تروریزم" نیز خواهد بود، چه به شکل کنونی و چه هم به شکل پایگاه سازی های دایمی در خاک ما.

تا اکنون سیاست ظالمانهٔ طالبان، تنها به نفع سیاست های غارتگرانه امریکا و کشورهای عضو ناتو تمام شده و این خود نشان می دهد که بازی در دست امپراتوری جهانی است. گاه لشکر کشی می کند، گاه کنفرانس می گذارد و گاهی هم صلح و مذاکره به راه می اندازد، چون مرحلهٔ اول ستراتیژی یعنی دههٔ گذار تمام شده است و اکنون مرحله دوم یعنی دهه استقرار آغاز یافته است و باید صحبت از مذاکره و مصالحه باشد.

امریکا در طول جنگ ده ساله، ملیارد ها دالر از طریق کانال های مختلف وارد افغانستان ساخته است، ولی اینک یک باره شعار ضد فساد اداری را بالا کرده است و در هر اداره و هر سیستمی به "افشاءگری" در زمینهٔ فساد دست می زنند. گزارش هائی در رسانه های بیرونی به نشر می رسد که گویا از طریق فساد اداری، پول امریکا در دسترس طالبان قرار گرفته است که از آن برای ادامهٔ جنگ گار می گیرند. روزنامه واشنگتن پست نوشته است که بر بنیاد تحقیق یک ساله اردوی امریکا دو ملیارد و شانزده ملیون دالر امریکائی که حکومت امریکا در بخش ترانسپورت با هشت شرکت قرارداد کرده است، بخش اعظم آن از طریق ۴ شرکت به طور "غیر مستقیم" به طالبان رسیده است. این روزنامه می نویسد که تلاش های حکومت های امریکا و افغانستان به منظور رسیدگی به این مشکل غیر موثر بوده است و نه تنها که در این عرصه کدام کاری صورت نگرفته است بلکه در ماه مارچ سال روان میلادی این قرارداد برای شش ماده دیگر تمدید شده است.

سرازیر شدن ملیادرها دالر، چیزی نیست که از دید امریکا پنهان مانده باشد، همین اکنون افراد مالی سفارت امریکا بی وقفه تمام معاملات مالیی که در افغانستان صورت می گیرد را از طریق اداره راپوردهی و تحلیل معاملات مالی افغانستان زیر نظر و کنترول دارد. اما شیوع و گسترش فساد در افغانستان جزئی از ستراتیژی امریکا در کشور ما به شمار میرود. امریکا خود تلاش می ورزد تا عرصهٔ فساد در افغانستان گسترش بیابد تا از یکسو سیاستمداران آلوده را در اختیار خود داشته باشد، نظامیان رشوه خوار برای شان خدمت کند و اقتصاد افغانستان را مافیائی بسازد تا نظام اقتصاد بازار را از آن طریق عملی سازد، چون تا تراکم سرمایه صورت نگیرد، اقتصاد بازار نیز عملی شده نمی تواند.

به اساس یک گزارش دیگر، تحقیقی که برای کنگرهٔ امریکا آماده می شود، نشان می دهد که ایالات متحده امریکا در حدود ۳۴ ملیارد دالر را در قرارداد با بخش خصوصی در عراق و افغانستان "هدر" داده است. امریکا در ۱۰ سال گذشته، بیش از ۲۰۰ ملیارد دالر را به صورت قرار داد و اعانه در این دو کشور به مصرف رسانیده است و بیش از۲۰۰ هزار قراردادی با ایالات متحده امریکا درطول جنگ در افغانستان و عراق کار می کرده اند که شماری از این کمپنی های قراردادی مربوط خود مقامات ارشد امریکا بوده است. حال که این پول را امپریالیستهای امریکائی چگونه به "هدر" داده اند، روزی روشن خواهد شد.

رژیم فاشیستی ایران و فشار بر مهاجران افغان:

رژیم فاشیستی ایران که بر آخوندگرائی مضحک و مستبدانه استورا است، گر چه همیشه از اتحاد دنیای اسلام و مسلمانان با هم برادراند و اسلام مرز نمی شناسد سخن می گوید، اما در عمل بدترین فاشیستان روی زمین اند که خلاف آنچه می گویند عمل می کنند.

پس از تجاوز اتحاد جماهیر شوروی سابق، میلیون ها تن از هموطنان زجردیدهٔ ما به ایران و پاکستان مهاجر شدند. افغانانی که به ایران رفته اند، از همان ابتداء با بدترین نوع توهین، تحقیر و شکنجه روحی روبر شدند. این افغان ها که سخترین و شاقه ترین کارها را انجام می دادند، از کوچکترین حقوق انسانی برخوردار نبودند و با اصطلاحات چون افغانی گردن کلفت، بربر، وحش و... توهین می شدند، ارباب کار پول شان را نمی پرداخت و رژیم ایران نیز تلاش داشت تا جاسوسان خود را در میان آنان پرورش و دست و پا نماید که توانست شماری از فرهنگیان و مطبوعاتی ها را به جاسوسان سربه زیر خود تبدیل کنند.

اما مردم زحمتکش که جاسوسی را ننگ می دانستند، به کار و به شاقه ترین کارها دست زدند ولی ذلت جاسوسی را نپذیرفتند. رژیم مستبد ایران بارها افغان ها را جبراً از ایران اخراج و آنانرا در دشت های تفتیدهٔ مرزی بدون سرنوشت رها کردند که عدهٔ زیادی از هموطنان ما زندگی شان را در این دشت ها از دست دادند. تل سیاه یکی از بدنامترین اردوگاه های مرزی ایران، هنوز هم آواز های دردناک هزاران مهاجر افغانی را فریاد می کند و این فریاد ها روزی حتما در اتحاد و همبستگی با خلق رنجدیدهٔ ایران، چیغ و نعره جلادان آخوندی را بالا خواهد کرد.

در این اواخر که سیاست اقتصادی رژیم منحوس ایران در حال تغییر است و تلاش دارد تا در زمینهٔ هزینه های برق و گاز به ایرانی ها سبسایدی بپردازد، منطقا مصارف زندگی برای مهاجران افغان که از چنین سباسیدی برخوردار نیستند، بالا می رود و از همین رو مهاجران افغان به خاطر عدم توانائی این مصارف بالا ناگزیر راه کشورهای اروپائی را با قبول ده ها خطر می گیرند تا زندگی نسبتا بهتر داشته باشند. با فرار افغان ها از ایران، جلادی به نام مصطفی محمد نجار وزیر داخلهٔ ایران چند روز قبل اعلان کرد که ۱۲ درصد کل نفوس افغانستان در ایران زندگی می کنند و ما به نیروی کار این مهاجران ضرورت داریم. این رژیم اسلامی، وقتی به افغان ها ضرورت پیدا می کنند به آنان حتی به خاطر انتقال شان در مرز موتر کرایه می کنند و هرگاه ضرورت نداشته باشند، آنانرا از دو منزله پائین رها کرده و به قتل می رسانند.